

ایران

- صاحب امتیاز:** خیرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر عامل مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:** احسان صالحی

امام علی^(ع):

دوستت را چندان به اندازه دوست‌بدار، که بسا روزی دشمنت شود و دشمنت را چنان به قاعده دشمن‌بندار، که چه بسا روزی دوستت شود.

نهج البلاغه: الحکمة ۲۶۸، دانش‌نامه امیرالمؤمنین^(ع)، ج ۴، ص ۳۷۸

نگاره

بی تفاوتی قدرت‌های جهان نسبت به کشتار مردم بی‌گناه غزه



فضای مجازی

خشم است و آتش نگاهش

وحید یامین‌پور، فعال رسانه‌ای با انتشار ویدیویی از سفر خود به «ضاحیه» لبنان، از پیرمردی که در میان خرابی‌های جنگ، با زیرپوشی سفید و ابروئی درهم کشیده و نگاهی پر از خشم، در حال جاروی کوچ‌های خاک گرفته است، نوشت:

خشم است و آتش نگاهش... یعنی تماشا ندارد که!

در چند قدمی او ساختمانی فروریخته و دود سیاهش به آسمان است. او به آرامی شیشه‌های خرد شده را جارو می‌کند و می‌خواهد کسب و کارش را راه بیندازد.. با کدام خریدار؟ نمی‌دانم!

چقدر این پیرمرد با این زیرپوش سفید و سگرمه‌های درهم رفته، مرا یاد پیرمردهای دزفول خودمان می‌اندازد. مشهور است که فردای موشکباران، بار آجر می‌آوردند تا دوباره «خانه» را از نو بسازند. چقدر ما شبیه همیم...

جایگزینی برای افرادی که از دست می‌دهیم نداریم

«ابراهیم حقیقی»، گرافیست و عکاس درباره درگذشت دکتر «مصطفی اسداللهی» در صفحه مجازی‌اش نوشت: «خبر نفسگیر بود» و جمله استاد حقیقی در پایان اعلام خبرش در اینستاگرام نفسگیرتر «تنها شدم».

جامعه فرهنگ و هنر ایران فردی را از دست داد که یکی از تأثیرگذارترین افراد حوزه دیزاین بود. او که در هنرستان هنرهای زیبای تهران مشغول به فراگیری هنر شده بود و این فرآیند را تا «سورپن» ادامه داده بود، در اکثر دانشگاه‌ها و هنرستان‌های ایران تدریس کرد.

بله ما مشغول تنها شدیم
جامعه ما مشغول فقیرشدن است و جایگزینی برای افرادی که از دست می‌دهیم، نداریم.

ایده تازه علی قمصری

«علی قمصری»، هنرمند و نوازنده صاحب‌نام کورسومان، همزمان با انتشار تصویری از نوازندگی خود در محله «بالات»، یکی از قدیمی ترین محله‌های استانبول، متنی در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرد و نوشت: در محله‌ها وفادار ماندم تا بتوانم تصویری هدفمند از آنجا منعکس کنم. چیزی درباره محله «بالات» در کنار قدمت و زیبایی رنگینش بسیار آموزنده و جالب است. ساکنین این محله در قدیم نه چندان ثروتمند با ایده‌های ساده، اما هماهنگی و یکپارچگی در عملی کردنش، محله‌شان را به یکی از زیباترین و نوربستی‌ترین مکان‌های شهر تبدیل کردند. هر کدام، ساختمان‌شان را با در نظر گرفتن وحدت کلی معماری، به رنگی شاد آراستند. باور قلبی من این است که ما در ایران مجموعه‌ای از افراد خوش فکر و توانمند، اما گاهی ناآزموده در هماهنگی جمعی هستیم. ورزش‌مان همین است، موفق در رشته‌های فردی، موسیقی‌مان همین است، موفق در تکنوازی و معماری‌مان پازرترین گواه این است. یک ساختمان شدت تجلی در کنار یک ساختمان ساده. نمای سنگ، آجر، سیمان و... در نمای ساختمان‌های کنارهم. ایرانی‌ها باهوشند و اگر به این هوش کمی آداب انجام کار جمعی بیشتر و هماهنگی تیمی اضافه شود ایران گلستان می‌شود. کافی است نگاهی به میزان مشارکت ساکنین آپارتمان‌ها در پرداخت درست شارژ و همکاری با مدیر، نظر بیفکنیم که ما می‌توانیم با توجه بیشتر به خودمان و نشانه گرفتن انگشت اشاره به سمت خودمان، کشور را به جای زیباتر تبدیل کنیم. البته چیزی که در نقد مشفقانه گفته می‌شود منکر بسیاری از امتیازهای مثبت موجود در کشور نیست. این ضبط به دلایلی نیمه‌کاره ماند و این قطعه ترکی (احمد گایا) را در مکانی دیگر به صورت کامل اجرا کردم که بزودی منتشر خواهیم کرد.

امان از قاب‌های زرد روی فرش‌های قرمز فیلم‌ها

«رضا صائمی»، منتقد سینما، با انتشار ویدیوی کوتاهی از «نوید محمدزاده» و یکی از طرفداران او که از دیدنش، نه تنها بشدت هیجان‌زده شده، بلکه حالش روبه خرابی رفته است، نوشت: این قاب‌های زرد بر فرش‌های قرمز فیلم‌ها و این غش وضعف کردن‌های پرادا و اطوار برای سلبریتی‌ها دیگر مشتمت‌کننده شده، لوس و لوذ شدن فرهنگ هواداری، بیش از آن‌که از گه ابراز ارادت باشد، اب‌نذال عزت است و کرامت‌آدمی را می‌کاهد. این حجم و هجمه هیجان‌زدگی و گریه و زاری و شیفتگی و شیدایی هوادارانه، نه فقط به اسطوره‌سازی پوشالی از ستاره‌های سینمایی که به فردیت‌زدایی از خودشان هم منجر می‌شود. این ارادت‌های افراطی که به اداهای غلیظ منجر می‌شود به اقتضای تینیجر بودگی توجیه نمی‌شود.... که اقتضای سنی که به افتضاح در بسن و صحنه منجر شود نه شوق ارادت که شرم ابتذال است. چنان‌که فرد چنان در فریه‌کردن اسطوره‌هایش فرو می‌رود که هویت و حریت‌اش در استحال‌های تدریجی فرو می‌یاشد... ده سال بعد همین هواداران، این صحنه‌ها را که ببینند به گریه‌های خود می‌خندند!... به جهان فانتزی و رؤیایی که در ذهن خود ساخته بودند. جهانی که از سلبریتی‌ها در دنیای خیلی‌ها ساخته می‌شود، دوزار دنیا و درون واقعی آنهاست... چه بسا از خود آنها که از سدوای سلبریتی بون به ستوه آمده‌اند.

با پخش

ویژه برنامه

تلویزیونی

«اشاره»، به

تهیه‌کنندگی

«محمد

دولتی»،

این بار در قاب

شبکه امید،

شاهد ساخت

یک برنامه

تلویزیونی

خوب برای

مخاطب

نوجوان

هستیم

نقل قول

حافظ شاعر محبوب بسیاری از هندیان است

حافظ شاعر محبوب من و بسیاری از هندیان است؛ شاعری که عشق و تعلق خاطر به او مرا تا ایران کشیده است. ما در هندوستان ۲۱ زبان رسمی با گویش‌های متفاوت داریم، اما از مهم‌ترین آنها زبان فارسی است و دلیل آن نیز شعرای زبان فارسی هستند که قدرت واژه‌بازی‌شان، زبان و ادبیات ما را غنی می‌کند. به‌خصوص حافظ که خیلی به روح هندوستان نزدیک است و اشعارش در همه جای هند جاری است. شرح‌ها، ترجمه‌ها و حتی فرهنگ عامه مردم هند، آمیخته با حافظ و اشعار اوست. زبان شعری حافظ، زبان احساس مردم است. جالب است بدانید، همان‌طور که شما ایرانی‌ها به حافظ تغال می‌زنید، هندی‌ها نیز در گذشته به دیوان حافظ تغال می‌زدند. شاعران زیادی نیز تحت‌تأثیر اشعار حافظ شعر سروده‌اند، چراکه اشعار حافظ، تناسب حسی و اصولی زیادی با هندوستان دارد. کم‌آزاری و همزیستی با جهان، مهم‌ترین پیام هندوستان به جهان است که در گنجینه اشعار حافظ نیز به وفور یافت می‌شود.

بخشی از گفته‌های یلرام شکلا، شاعر و رایزن فرهنگی هند در ایران به مناسبت روز گرامیداشت حافظ

یادداشت



برنامه تلویزیونی «اشاره»، امیدی برای نوجوان غزه

باشد. با شروع پخش ویژه برنامه تلویزیونی «اشاره» به تهیه‌کنندگی محمد دولتی، این بار در قاب شبکه امید شاهد ساخت یک برنامه تلویزیونی خوب برای مخاطب نوجوان بوده‌ایم؛ برنامه‌ای که می‌توان گفت هم با نوجوان و هم برای نوجوان بوده و برنامه‌ای است که نه تنها اخبار را به شکل درست به دور از بمباران اطلاعاتی این میان مسئولیتی‌سنگین پرروش رسانه ملی برای تولید اخبار و روایات درست در سریع‌ترین زمان وجود دارد و این مسئولیت در زمانی که جنگ روایت‌ها حرف اول را می‌زند، بسیار حائز اهمیت است.

حدود یک‌سالی است که برنامه‌هایی مانند «به افق فلسطین» از همان روزهای ابتدای التهابات غزه در میان بزرگسالان جای خود را باز کرد، به شکلی که آمار بازدید و تعداد مخاطبان آن یک فافلگیری مثبت برای اهالی رسانه و فرهنگ داشت. تا آنجا که حتی افرادی که با تلویزیون به اصطلاح در قهر به سر می‌برند؛ پای این برنامه برای اطلاع از آخرین تحولات غزه می‌نشستند و آن را دنبال می‌کردند، اما نکته‌ای که به آن توجه نشد این است که در این شرایط سخت، تفهیم و صحبت درباره این حجم از اخبار ناگوار با جامعه «کودکان» و مخصوصاً نوجوانان؛ چگونه است و یا چه ابزاری می‌توان این دنیای سرد و خشن را از آنان دور کرد و یا نوجوانی که در کنار بزرگسالان دغدغه کنشگری دارد، چگونه می‌تواند فعالیت مناسب انجام دهد که به چشم بیاید؟!

در شبکه امید که مرجع تخصصی تولیدات نوجوان است، در حوالی ماه فروردین، برنامه کوتاهی به نام «فلسطین ۲۰۴۰» به طراحی و کارگردانی «هانی سمندری» آغاز به پخش کرد و همین برنامه یکی از گام‌های مثبت در راستای برنامه‌سازی برای نوجوان در شرایط جنگ غزه بود؛ یا گذر زمان و رسیدن به نقطه‌ای از حوادث تاریخی، مانند شهادت «سیدحسن نصرالله»، شبکه امید با چالشی به نام «هنر واکنش سریع» مواجه شد که این بار با یک برنامه فکرشده باید، تمام هیجانات ناشی از حوادث را به مخاطب القا کند و بستری نیز برای اخبار امین خود بداند.

عکس نوشت



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید



آن هفته‌های آخر، اواخر تابستان و اوایل پاییز، دیگر خیلی محو در خاطر مانده‌اند، شاید به این دلیل که فهم مقابل ما به آن عمق دل‌پذیر رسیده بود. آنجا که واسطه ارتباط میان دو نفر بیشتر سکوت است تا کلمه، وقتی سکوتی محبت‌آمیز جانشین درگیری‌ها، گفت‌وگوها و رفت‌وآمدهای پرطنش می‌شود که لحظات پرنمودترو به ظاهر زیور دوستی رامی‌سازند.

بخشی از سناریوی فیلم معروف «صبحانه در نیفانی» نویسنده: ترومن کاپوتی

درنگ



رضا اسماعیلی

شاعر و پژوهشگر ادبی

به مناسبت روز «حافظ»

هنوز آن طور که باید حافظ را نشناخته‌ایم

حافظ آیینه خودشناسی، پاسخ هستی و چیستی و سند هویت ایرانی اسلامی ماست. شعر حافظ تجسم هنری اراده ملتی فرهنگ‌مدار و انسان‌دوست است که در برابر تهاجم وحشیانه مغول به مدد ارزش‌های والای فرهنگی و انسانی نه‌تنها قدم نمی‌کند، بلکه روح وحشی ایلخانات مغول را در نسیم نوازش فرهنگ خویش رام می‌کند و به تسلیم وا می‌دارد.

حافظ کیمیاگری است که با قدرت عشق و به مدد صفای باطن، نفس سلیم، اندیشه بلند و آرمان‌های انسانی خویش در جان و جهان طرحی نو در می‌اندازد و دشمنان را به دوستانی همدل و همراه تبدیل می‌کند. حافظ نمونه کامل انسانی است که همه قابلیت‌ها و ظرفیت‌های انسانی‌اش به مدد قدرت پاک الهی به فعلیت درآمده است؛ انسانی که تجسم کامل کرامت، مناعت طبع و عزت نفس است. در واقع ما در آیینه غزل‌های روشن حافظ، سیمای آرمانی خودمان را به تماشا می‌نشینیم. سیمای آرمانی انسانی که باید باشیم و اکنون نیستیم. با این همه، حضرت لسان‌الغیب حافظ شیرازی، به‌رغم شهرت و آوازه بی‌ظنری که در بین ما ایرانیان دارد، از منظر سلوک و رفتارشناسی دینی، همچنان شاعری گمنام و ناشناخته است زیرا ما پیش و بیش از آنکه دلبسته کلام و مرام حافظ باشیم، دلبسته نام و آوازه حافظ شیرازیم و به دیوان حافظ نیز بیشتر به چشم یک فالنامه نگاه می‌کنیم تا یک حال‌نامه؛ بیابید صادقانه از خودمان بپرسیم؛ به راستی ما امروز حافظ را چقدر می‌شناسیم و از حافظ چه می‌فهمیم؟ جز اینکه دیوان غزلیات او را همچون یک کالی لوکس و تجملی در آغوش اتاق‌مان گذاشته‌ایم و هر از گاهی در ایام عبد نوروز و شب یلدا از جناب حافظ می‌خواهیم که همچون فالگیری دوره‌گرد برایمان غیب‌گویی کند و... بگذریم. باید صادقانه و با فروتنی تمام اعتراف کنیم که ما حافظ را نمی‌شناسیم یا حافظ را آن گونه که خود دوست داریم و می‌پسندیم، می‌شناسیم؛ حافظی که با حافظ واقعی فرسنگ‌ها فاصله دارد! اگر ما حافظ را می‌شناختیم و به آموزه‌های انسانی و اخلاقی او عمل می‌کردیم، امروز به‌مراتب وضع بهتری داشتیم. اینکه امروز جامعه ما گرفتار بداخلاقی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و آلودگی‌های اقتصادی است، مبین این است که ما به توصیه‌های حافظ عمل نمی‌کنیم. ما حافظ را نمی‌شناسیم و با آرمان‌های او بیگانه‌ایم. آری، ما در شعار جهان‌طرحی و دشمنان را نو در می‌اندازد و دشمنان را به دوستانی همدل و همراه تبدیل می‌کند

کیمیاگری

است که با

قدرت عشق

و به مدد

صفای باطن،

نفس سلیم،

اندیشه بلند

آرمان‌های

انسانی خویش

در جان و

جهان‌طرحی

نو در می‌اندازد

و دشمنان را

به دوستانی

همدل و همراه

تبدیل می‌کند



نمایشگاه عکس «آخرین نبرد» در عراق

این نمایشگاه عکس روایتی تصویری از آخرین عملیات‌های پاکسازی تکفیری‌ها در کشور عراق است که توسط حسین ولایتی به ثبت رسید و در گالری شماره یک خانه عکاسان ایران افتتاح شد.

عکس: مجید شادمان ایلاتا